مرجع تصويب : هيئت عمومي ديوانعالي كشور سه شنبه 18 شهريور 1404
شماره ويژه نامه : 2042 سال هشتاد و يك شماره 23432

رأي وحدت رويه شماره 868 هيأت عمومي ديوان عالي كشور

شماره 9000/6762/110 1404/6/12

مدير عامل محترم روزنامه رسمي جمهوری اسلامی ایران

گزارش پرونده وحدت رويه قضايی شماره 9/1404 هيأت عمومي ديوان عالي كشور با مقدمه و رأي شماره 868 ـ 1404/05/28 به شرح ذيل تنظيم و جهت انتشار ارسال مي گردد.

غلامرضا انصاری ـ معاون قضایی دیوان عالی کشور

مقدمه

جلسه هيأت عمومي ديوان عالي كشور در مورد پرونده وحدت رويه شماره 9/1404 ساعت 8 روز سه شنبه، مورّخ 1404/05/28 به رياست حجت الاسلام والمسلمين جناب آقای محمّدجعفرمنتظری، رئيس محترم ديوان عالي كشور، با شركت آقايان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون كليه شعب ديوان عالي كشور و با حضور حجت الاسلام والمسلمين جناب آقای سيدمحسن موسوی، نماينده محترم دادستان كلّ كشور در سالن هيأت عمومي تشكيل شد و پس از تلاوت آياتي از كلام الله مجيد، قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسي نظريات مختلف اعضاي شركت كننده در خصوص اين پرونده و استماع نظر نماينده محترم دادستان كل كشور كه به ترتيب ذيل منعكس مي گردد، به صدور رأي وحدت رويه قضايي شماره 868 ـ 1404/05/28 منتهي گرديد.

الف) گزارش پرونده

با سلام و احترام

به استحضار می رساند، آقای علی صالحی، دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران، با اعلام اینکه از سوی شعب بیستم و پنجاه ودوم دیوان عالی کشور، در خصوص تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به جرم پولشویی، با استنباط متفاوت از ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی، آراء مختلف صادر شده، درخواست طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور نموده است که گزارش امر به شرح آتی تقدیم می شود:

الف) به حکایت دادنامه شماره 140240390000612125 ـ 1402/3/11 شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب جزیره کیش در خصوص اتهام آقایان مهدی ...، احد ... و جواد ... دایر بر پولشویی نسبت به عواید حاصل از فروش مواد مخدر از نوع گل در بازه های زمانی متعدد، چنین رأی صادر شده است:

«... حسب تحقیقات به عمل آمده از سوی پلیس مبارزه با مواد مخدر و اداره اطلاعات جزیره کیش اسناد بانکی دایر بر اینکه مبالغ به حساب های 1.جواد ... 2.سمیه ... 3.علي ... 4.احد ... 5.رسول ... 6.افشین ... 7.فاطمه ... 8.مهدي ... واریز شده است، علی هذا نظر به اینکه صلاحیت محلی رسیدگی به بزه پولشویی با دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان تهران است به جهت رعایت قوانین آمره آیین دادرسی کیفری (مقررات شکلی) مستنداً به مواد 116، 117 و 310 قانون آیین دادرسي كيفري مصوب 1392 رسيدگي به بزه فوق در صلاحيت اين شعبه نبوده، لذا قرار عدم صلاحيت به صلاحيت دادسراي عمومي و انقلاب شهرستان تهران صادر و اعلام مي گردد.»

متعاقباً شعبه چهاردهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب تهران به موجب دادنامه شماره 140268390006043488 ـ 1402/4/31، چنین رأی داده است:

«... با عنایت به اینکه 1. اصل در رسیدگی و انجام تحقیقات مقدماتی در جرائم، صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است 2. حکم مقرر در ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی ناظر به تشکیل شعب تخصصی دادگاه برای رسیدگی به جرائم موضوع قانون مذکور است و چنین امری نافی صلاحیت دادسرا و دادگاه محل وقوع بزه نیست. 3. رسیدگی در مرجع قضایی تهران با توجه به محل سکونت و فعالیت متهمین در حوزه قضایی دیگر از جهت صعوبت در دسترسی به آثار و ادله جرم، موجب تعسر در رسیدگی می گردد و بدیهی است که اراده وقوع چنین نتیجه نامطلوبی به دور از حکمت تقنینی است و در نتیجه در مقام تفسیر قانون باید از انتساب آن به مقنّن پرهیز شود. 4. حکم مقرر در ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی از باب صلاحیت افتراقی نیست، بلکه از باب رعایت تخصص در رسیدگی بوده و نافی قواعد آمره مربوط به صلاحیت محلی نیست. 5. دادیار محترم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کیش ابتدائاً قرار عدم صلاحیت به [دادسرای عمومی و انقلاب] مرکز استان (شهرستان بندرعباس) صادر و پس از حدوث اختلاف در صلاحیت از سوی بازپرس محترم دادسرای عمومی و انقلاب بندرعباس وفق ماده 27 قانون آیین دادرسی [دادگاه های عمومی و انقلاب در امور] مدنی در مقام حل اختلاف به عنوان مرجع صالح جهت تعیین صلاحیت، رأی به صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کیش صادر نموده است. 6. تبصره الحاقی به ذیل ماده 11 اصلاحی قانون مبارزه با پولشویی مصوب 1399/7/3 صلاحیت دادگاه های کیفری تهران یا مرکز استان را در رسیدگی به بزه پولشویی محدود به موردی نموده است که متهم یکی از مقامات موضوع مواد 307 و 308 قانون آیین دادرسی کیفری باشد و در نتیجه رسیدگی به اتهام سایر اشخاص مطابق قواعد عمومی صلاحیت در دادگاه محل وقوع بزه انجام می شود. نظریه مشورتی شماره 7/93/942 اداره کل حقوقی قوه قضائیه مؤید این مطلب است که مفاد ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی دلالت بر نفی صلاحیت ذاتی و محلی ندارد. علاوه بر آن نظریه مرکز فقهی قوه قضائیه نیز بر عدم دلالت ماده 11 بر نفی صلاحیت محلی مؤید این مطلب است. لذا نظر به اینکه محل وقوع جرم حوزه قضايي شهرستان كيش است، مستنداً به مواد 116، 117 و 310 قانون آيين دادرسي كيفري مصوب 1392 رسيدگي به بزه فوق در صلاحيت اين شعبه نبوده، لذا قرار عدم صلاحيت به صلاحيت دادسراي عمومي و انقلاب شهرستان كيش صادر و اعلام مي گردد. ...»

پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور جهت حل اختلاف، شعبه بیستم به موجب دادنامه شماره 140206390000509964 ـ 1402/7/1، چنین رأی داده است:

«با توجه به اینکه در صلاحیت محلی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است که در پرونده، محل وقوع بزه انتسابی پولشویی حوزه قضایی شهرستان جزیره کیش است و ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی 1397 ناظر به تشکیل شعب تخصصی دادگاه برای رسیدگی به جرائم موضوع قانون مذکور است و این امر نافی صلاحیت دادگاه کیفری محل وقوع جرم نیست. بنا به مراتب استدلال بازپرس [شعبه] 14... دادسرای عمومی و انقلاب تهران قانونی تشخیص و مستنداً به مواد 310، 311، 313 و 317 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 و تبصره ذیل ماده 27 قانون آیین دادرسی مدنی 1379 با اعلام صلاحیت رسیدگی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان جزیره کیش حل اختلاف می نماید.»

ب) به حکایت دادنامه شماره 1402683900100051888 ـ 1402/7/9 شعبه پانزدهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، در خصوص اتهام آقایان بهنام ... و سامان ... دایر بر فرار مالیاتی از طریق کتمان درآمد و پولشویی، چنین رأی صادر شده است:

« ... نظر به اینکه هر 3 فقره حساب بانک ملت آقای بهنام ... که گردش حساب مربوط به آنها، مستند اعلام جرم پولشویی بوده در شهرستان مهاباد افتتاح شده و واریز وجوه و برداشت آنها نیز از حساب های بانکی موصوف صورت پذیرفته و از طرفی محل فعالیت نامبردگان نیز در همان شهرستان است و از آنجا که در ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی که مقرر داشته «شعبی از دادگاه های عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان ها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرائم مرتبط اختصاص می یابد و اختصاصی بودن شعب مانع رسیدگی به سایر جرائم نمی باشد»، صرفاً به صلاحیت انحصاری دادگاه و به تبع آن دادسرای تهران اشاره نشده است و قید مراکز استان، حکایت از آن دارد که دادسراهای مراکز استان های دیگر نیز صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارند و از طرفی عدم تشکیل شعبه اختصاصی برای رسیدگی به جرم پولشویی در استان محل وقوع جرم، از موجبات صدور قرار عدم صلاحیت نبوده و شعب موجود تکلیف به رسیدگی دارند. لذا حکم مقرر در ماده مزبور، حسب قاعده اثبات شیء نفی ماعدا نمی کند، نافی صلاحیت از حوزه قضائی محل ارتکاب جرم نیست و با تمسک بدان، نمی توان از قاعده آمره اصل صلاحیت حوزه قضایی محل وقوع جرم عدول کرد و از آنجا که محل وقوع جرایم مزبور، با فرض وقوع، شهرستان مهاباد است، مستنداً به مواد 116، 117 و 310 قانون آیین دادرسي کیفري مصوب 1392 رسیدگي به بزه فوق در صلاحیت این شعبه نبوده، قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادسراي عمومي و انقلاب شهرستان مهاباد صادر و اعلام مي گردد.»

متعاقباً شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مهاباد به موجب دادنامه شماره 1402353900050964900 ـ 1402/8/9، چنین رأی داده است:

«... نظر به اینکه اولاً، مطابق ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی مرجع صالح به رسیدگی به جرم پولشویی و جرایم مرتبط، دادگاه های کیفری تهران یا در صورت نیاز مرکز استان تعیین شده است و ماده 11 قانون مذکور صراحتاً مرجع صالح به رسیدگی را مشخص نموده است و تفسیر بازپرس محترم شعبه پانزدهم دادسرای تهران، تفسیر در مقابل نص می باشد و در آن صورت وضع ماده 11 قانون مذکور، امری عبث و بیهوده خواهد بود. ثانیاً، رسیدگی به جرم پولشویی ارتباط بسیار نزدیکی با رسیدگی به جرم منشأ دارد به گونه ای که چنانچه جرم منشأ مصادف با تبرئه یا منع تعقیب گردد، جرم پولشویی منتفی خواهد شد. ثالثاً، چون مجازات بزه پولشویی درجه 5 است (در صورتی که میزان درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ بیشتر از یک میلیارد تومان باشد درجه 4 است) و مجازات بزه فرار مالیاتی نیز طبق تبصره 2 ماده 274 قانون مالیات های مستقیم درجه 6 است، لذا در راستای رسیدگی به جرایم شخص واحد، رسیدگی در دادگاهی صورت می گیرد که مهم ترین جرم در آن حوزه صورت گرفته باشد و از آنجایی که جرم پولشویی جرم مهمتر است و مرجع صالح به رسیدگی

به پولشویی نیز دادگاه های کیفری تهران و در صورت نیاز مرکز استان است (در مرکز استان شعب تخصصی تشکیل نشده است)، در این پرونده نیز به هر دو جرم دادسرای تهران صالح به رسیدگی است؛ فلذا با توجه به توضیحات و استدلال های فوق، این بازپرسی خود را صالح به رسیدگی به جرایم پولشویی و جرم منشأ (فرار مالیاتی) ندانسته و مستنداً به ماده 11 قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و مواد 26 ، 116، 117 ،310 قانون آیین دادرسي كيفري مصوب 1392، قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان تهران صادر و اعلام مي دارد. ...»

پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور جهت حل اختلاف، شعبه پنجاه و دوم به موجب دادنامه شماره 1402/9/28 ـ 1402063900007772 86، چنین رأی داده است:

«... نظر به اینکه استدلال شعبه سوم بازپرسي دادسراي عمومي و انقلاب شهرستان مهاباد صحیح و منطبق با موازین قانونی است، لذا با استناد به ماده 317 قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به تبصره ماده 27 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن تأیید استدلال مذکور، با اعلام صلاحیت حوزه قضایی تهران ترجیحاً شعبه 15 بازپرسي دادسراي عمومي و انقلاب ... تهران حل اختلاف می گردد.»

چنانکه ملاحظه می شود، شعب بیستم و پنجاه و دوم دیوان عالی کشور در خصوص تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به جرم پولشویی با استنباط مختلف از ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی و ماده 317 قانون آیین دادرسی کیفری، اختلاف نظر دارند؛ به گونه ای که شعبه بیستم با این استناد که ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی ناظر به تشکیل شعب تخصصی دادگاه برای رسیدگی به جرایم موضوع قانون مذکور است و این امر نافی صلاحیت دادگاه کیفری محل وقوع جرم نیست، دادسرای محل وقوع جرم را صالح به رسیدگی تشخیص، اما شعبه پنجاه و دوم با استناد به ماده 317 قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به تبصره ماده 27 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، حوزه قضایی تهران را صالح به رسیدگی دانسته است.

بنا به مراتب، در موضوع مشابه، اختلاف استنباط محقق شده است، لذا در اجرای ماده 471 قانون آیین دادرسی کیفری به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، طرح موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخواست می گردد.

معاون قضايي ديوان عالي كشور در امور هيأت عمومي ـ غلامرضا انصاري

ب) نظریه نماینده محترم دادستان کل کشور

احتراماً در خصوص پرونده وحدت رویه شماره 9/1404 هیأت عمومی دیوان عالی کشور به نمایندگی از دادستان محترم کل کشور به شرح ذیل اظهار عقیده می نمایم:

حسب گزارش ارسالی ملاحظه می گردد اختلاف استنباط بین شعب بیستم و پنجاه و دوم دیوان عالی کشور راجع به صلاحیت رسیدگی به جرم پولشویی است به گونه ای که شعبه بیستم دیوان عالی کشور، دادسرا و دادگاه کیفری محل وقوع جرم را صالح دانسته لیکن شعبه پنجاه و دوم، دادسرا و دادگاه کیفری تهران را صالح به رسیدگی دانسته است. لذا با بررسی گزارش ارسالی و با عنایت به اینکه موضوع مشمول عمومات بوده و به عبارتی به استناد ذیل ماده 317 قانون آیین دادرسی کیفری یعنی حل اختلاف بین دادسراها، ناظر به مفاد ماده 310 همان قانون، دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم صالح به رسیدگی است.

لازم به ذکر است حکم مقرر در ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی سال 1397 مبنی بر اختصاص شعبی از دادگاه تهران و یا دیگر مراکز استان ها برای رسیدگی به بزه پولشویی به معنای سلب صلاحیت از دادگاه محل وقوع جرم نبوده و ماده یاد شده در مقام تخصیص قواعد عام صلاحیت نیست و صرفاً در راستای ایجاد الزاماتی برای رسیدگی تخصصی به جرم پولشویی در حوزه های قضایی مراکز استان با لحاظ کثرت احتمالی پرونده ها است. لازم به ذکر است مصالح عمومی و ملاحظات اجتماعی و همچنین تسهیل در انجام تحقیقات محلی و استماع اظهارات گواهان و اخذ نظریات کارشناسی و تسریع در دادرسی به جهت اشراف دادگاه های محل بر ابعاد موضوع و نیز تمرکز زادیی از طرح دعاوی در تهران، طرح شکایت در محل وقوع جرم را قابل توجیه می نماید، لذا نظر شعبه بیستم دیوان عالی کشور را مطابق با قانون و قابل تأیید می دانم.

ج) رأي وحدت رويه شماره 868 ـ 1404/05/28 هيأت عمومي ديوان عالي كشور

بر اساس ماده 310 قانون آیین دادرسی کیفری، متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه قضایی آن واقع شده باشد و تعیین صلاحیت برای دادگاه دیگر، منوط به حکم قانون است و مقررات ماده 11 قانون مبارزه با پولشویی مصوب 1386/11/2 با اصلاحات بعدی در سال 1397، ناظر به اختصاص تعدادی از شعب دادگاه ها برای رسیدگی تخصصی به جرم پولشویی بوده و این امر نافی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم نیست. بر این اساس چنانچه در اجرای ماده قانونی یاد شده، در مرکز استان (محل وقوع جرم) شعبه یا شعبی جهت رسیدگی به جرم پولشویی و جرائم مرتبط با آن تشکیل شده باشد، آن دادگاه صالح به رسیدگی است و در غیر این صورت دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. بنا به مراتب، رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء اعضای هیأت عمومی، صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده 471 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

محمّدجعفر منتظری ـ رئیس هیأت عمومي ديوان عالي كشور